مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال پانزدهم ، شماره ۱، بهار ۱٤۰۲، شمارهٔ پیاپی ۳۰

DOI: 10.22067/JLKD.2023.78281.1118

حرکت های ارتباطی‌بلاغی در بخش مقدمهٔ مقالات علمی‌پژوهشی: تحلیلی ژانربنیاد بر اساس انگارهٔ سویلز (۲۰۰٤) (مطالعهٔ موردی ۸ مجله از ژانر علوم قرآن و حدیث)

حسین بازوبندی، استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه ولی عصر «عج» رفسنجان، رفسنجان، ایران (نویسنده مسئول)
علی حاجی‌خانی، دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران

صص: ۵۲-۲۳

چکیده

در حوزه تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل ژانر مقالات پژوهشی در چند دهه اخیر توجه ویژه‌ای را به خود معطوف ساخته است. در این میان، بررسی بخش مقدمه یک مقاله پژوهشی که به عنوان نقشه راه و پیش‌نمایشی برای درک بخش‌های بعدی مقاله و همچنین معیاری بسیار مهم برای ارزیابی کل آن مقاله محسوب می‌شود بیشترین مطالعات ژانربنیاد را در بیشتر حوزه‌های تخصصی و دانشگاهی به خود اختصاص داده است. با وجود این، یکی از ژانرهایی که تاکنون هیچ‌گونه مطالعه‌ای در مورد بخش مقدمه مقالات آن در چهارچوب رویکرد تحلیل گفتمان ژانربنیاد صورت نگرفته، حوزه مطالعات علوم قرآن و حدیث است. از این رو، مقاله حاضر، بر اساس الگوی نظری سویلز (۲۰۰٤) که کارآمدی آن در حوزه تحلیل ژانر به اثبات رسیده است، با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ساختار بلاغی و حرکت‌های ارتباطی مقدمهٔ ۸۰ مقاله منتشرشده در بازه سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ از ۸ مجله معتبر پژوهشی حوزه علوم قرآن و حدیث می‌پردازد. در واقع، این مطالعه، در قالب تحلیل ژانر با تمرکز روی حرکت‌های ژانری مقدمه مقالات، دو کارکرد عمده را دنبال می-کند: اول اینکه، نویسندگان ژانر مقالات پژوهشی علوم قرآن و حدیث، چگونه کار خود را در بخش مقدمه معرفی و تا چه میزان از معیارهای لازم برای نوشتن یک مقدمه خوب بر اساس الگوی نظری پژوهش پیروی می‌کنند؛ و هدف دوم اینکه در این ژانر خاص، تا چه حدی شاهد تنوع ژانری در مجلات یک حوزه واحد خواهیم بود. نتایج پژوهش حاضر، که

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶   تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۹

پست الکترونیکی: 1. bazoubandi.h@gmail.com   2. ali.hajikhani@modares.ac.ir

هم می‌تواند برای بالا بردن کیفیت مقدمه‌نویسی نویسندگان مقالات پژوهشی و هم برای ارزیابی داوران از این ژانر خاص و دیگر ژانرهای مرتبط راهگشا و مفید باشد، حاکی از عدم آگاهی کافی برخی از نویسندگان این ژانر نسبت به ساختار ژانری و حرکت‌های ارتباطی‌بلاغی بخش مقدمه مقالات است که منجر به عدم پیروی کامل از الگوی نظری تحقیق شده است.

کلیدواژه‌ها: حرکت بلاغی، رویکرد ژانرمحور، مقدمۀ مقالۀ علمی‌پژوهشی، علوم قرآن و حدیث

مقدمه

تحلیل گفتمان ضمن بررسی الگوهای زبان در متون مختلف، به رابطه بین زبان و بافت‌های اجتماعی و فرهنگی که زبان در آن به کار برده می‌شود نیز می‌پردازد (پالتریج[1]، ۲۰۱۲: ۲). از جمله زیرشاخه‌های اصلی در حوزه تحلیل گفتمان، حوزه تحلیل ژانر است. میلر[2] (۱۹۸٤: ۲٥) ژانر را به عنوان کنش اجتماعی[3] در نظر می‌گیرد. در واقع، یکی از شیوه‌های کلیدی که افراد با همدیگر ارتباط برقرار می‌کنند از طریق شرکت در رویدادهای ارتباطی خاص یا ژانرهاست. نامه به سردبیر، گزارش خبری، گزارش تجاری، سخنرانی‌های مجلس، گزارش آب و هوا، و متون آکادمیک مانند مقالات علمی‌پژوهشی همگی نمونه‌هایی از ژانر است که دارای الگوهای قابل تمییز و قابل تشخیص از نظر سازمان‌دهی و ساختار است. هر یک از این ژانرها در یک بافت خاص رخ می‌دهد، به شیوه خاصی سازمان‌دهی می‌شود و دارای یک هدف یا کارکرد ارتباطی است. به عبارت ساده‌تر، ژانرها فعالیت‌هایی هستند که افراد از طریق کاربرد زبان در انجام آن دخیل می‌شوند (پالتریج، ۲۰۱۲: ٦۲). در تعریف مارتین[4] (۱۹۸٤: ۲٥) از ژانر، ویژگی «مرحله‌بندی[5]» نیز در کنار هدف‌محوری ذکر شده است زیرا همانطور که مارتین و رُز[6] (۲۰۰۷: ۸) اشاره می‌کنند ژانر برای رساندن ما به یک هدف خاص، معمولاً با گام‌هایی[7] همراه است. مفهوم ژانر به طور خاص در آموزش نوشتن و خواندن حائز اهمیت است (رک: مارتین و رز،

1- Paltridge
2- Miller
3- Social action
4- Martin.
5- A staged activity
6- Rose
7- steps

۲۰۰۸؛ پالتریج، ۲۰۱۲؛ سویلز، ۲۰۰٤). در چنین حوزه‌هایی اغلب از ساختار شماتیک[1] برای توصیف ساختار گفتمانی متون استفاده می‌شود. سویلز[2] از مفهوم حرکت[3] برای توصیف ساختار گفتمانی متون استفاده می‌کند. سویلز در کتاب *تحلیل ژانر*[4] خود (۱۹۹۰) استدلال می‌کند که هدف ارتباطی عامل کلیدی برای تمایز میان ژانرهاست. رویکرد تحلیل ژانر عمدتاً مبتنی بر تحلیل‌های سویلز (۱۹۸۱، ۱۹۹۰، ۲۰۰٤) درباره ساختار گفتمانی مقالات علمی‌پژوهشی است. مقالات علمی‌پژوهشی در چند دهه گذشته به عنوان یکی از مهم‌ترین ژانرهای آکادمیک شناخته شده و توجه زیادی را در مطالعات زبان‌شناختی به خود جلب کرده است (برای نمونه رک: سویلز، ۱۹۹۰، ۲۰۰٤؛ هالیدی[5] و مارتین، ۱۹۹۳). استفاده از تحلیل‌های ژانربنیاد در بررسی مقالات علمی‌پژوهشی رشته‌ها و حوزه‌های تخصصی گوناگون در بعد توصیفی و آموزشی آنچنان موفقیت آمیز بوده (سویلز، ۲۰۰٤: ۲۲۵) و بسط و گسترش یافته که تقریباً درباره اکثر بخش‌های مختلف مقالات این حوزه‌ها می‌توان مطالعاتی را از نظر گذارند. محققان زیادی با بررسی ساختار بخش‌های مختلف مقالات به ارائه ساختار بلاغی و ژانری آن‌ها همت گماشته‌اند. بی شک، عدم آگاهی برخی از نویسندگان از ساختار ژانری مقالات، یکی از دلایل اصلی عدم موفقیت آن‌ها در ارائه یک تحقیق مناسب با مقبولیت بالا در جامعه علمی مرتبط با رشته تخصصی خویش است و بعضاً این ناآگاهی، در فرایند داوری مقالات از جمله عوامل مهمی است که منجر به ردّ مقاله از سوی داوران محترم مجلات علمی‌پژوهشی می‌شود. در نقطه مقابل، پرواضح است که آشنایی با ساختار ژانری و بلاغی یک مقاله علمی‌پژوهشی و کاربست نظام‌مند، اصولی و صحیح راهبردهای معرفی‌شده در حوزه تحلیل ژانر هم می‌تواند به بهبود کیفیت ساختاری و محتوایی مقالات از سوی نویسندگان منجر گردد و هم به داوران محترم مجلات علمی‌پژوهشی در ارزیابی هرچه دقیق‌تر، اصولی‌تر و روش‌مندتر مقالات یاری رساند. با در نظر گرفتن این موضوع، انجام تحقیق جهت بررسی ساختار ژانری مقالات حوزه‌های علمی مختلف ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این میان، یکی از حوزه‌های تخصصی که علیرغم گستردگی و اهمیت پژوهشی آن کمتر مورد توجه قرار گرفته، حوزه مقالات علمی-

---

1- schematic structure
2- swales
3- move
4- Genre analysis
5- Halliday

پژوهشی علوم قرآن و حدیث است. تا جایی که نویسنده سطور حاضر اطلاع دارد، تاکنون هیچ تحقیقی با استفاده از الگوی نظری سویلز (۲۰۰٤) به بررسی ژانر مقالات علمی‌پژوهشی رشته علوم قرآن و حدیث نپرداخته و این پژوهش اولین تحقیق در نوع خود محسوب و اساساً یکی از جنبه‌های نوآوری پژوهش حاضر نیز در همین مسئله است. از آنجا که بررسی کل ساختار بلاغی و ژانری مقالات علمی‌پژوهشی در این مقال نمی‌گنجد، این پژوهش خود را محدود به بررسی بخش مقدمه برخی از مقالات مجلات حوزه مذکور خواهد کرد. دلیل اینکه بخش مقدمه مقالات علمی‌پژوهشی، به عنوان محل بحث و تمرکز در این مقاله انتخاب شده است به جایگاه برجسته و حائز اهمیت آن به عنوان «پیش‌نمایش و نقشهٔ راهی برای درک بقیهٔ مقاله» (والورک[1]، ۲۰۱٦: ۲٥٤) برمی‌گردد؛ این بخش همان بخشی است که نویسندگان باید مسئله پژوهش خود را به نحوی شفاف و البته جذاب مطرح نمایند که مخاطب را برای پیگیری کار و درک ضرورت اثر اقناع نمایند. معمولاً در مقدمهٔ یک اثر برای انجام چرایی انجام پژوهش به موضوعاتی مانند عدم توجه به موضوع مورد بحث تاکنون، خلأهای موجود، عدم تبیین موضوع به طور روشن در کارهای پیشین، مبهم بودن نتایج کارهای پیشین، عدم استفاده از روش یا الگوی نظری به کار رفته در مقاله در کارهای سابق، جدید بودن راه حل پیشنهادی در مقاله و ناقص بودن کارهای قبلی اشاره می‌شود (بلکستر[2] و همکاران، ۲۰۰٦، ۲۳۷-۲۳٤؛ پالتریج و استارفیلد، ۲۰۰۷، ۸٤-۸۲؛ هارتلی[3]، ۲۰۰۸، ٤۱؛ لیدی و اُرمرُد[4]، ۲۰۱٥، ۱٤۱-۱۳۹؛ گستِل و اِ. دِی[5]، ۲۰۱٦، ٦۲-٦۱). از این رو، با توجه به توضیحات فوق و درک بیشتر اهمیت بخش مقدمه، مقاله حاضر با روش توصیفی‌تحلیلی و با کاربست الگوی نظری سویلز (۲۰۰٤) که کارآمدی آن در حوزه تحلیل ژانر فارغ از نوع رشته‌های علمی به اثبات رسیده است (رک: جلیلی‌فر، ۲۰۱۰، ۳۰) به بررسی ساختار بلاغی و حرکت‌های ارتباطی مقدمهٔ ۸۰ مقاله منتشرشده در بازه سال‌های ۱۳۹٥ تا ۱۳۹۹ از ۸ مجله معتبر علمی‌پژوهشی حوزه علوم قرآن و حدیث می‌پردازد. به تناسب اهداف پژوهش، سؤالات پژوهش حاضر به شرح ذیل است:

1- walwork
2- Blaxter
3- Hartley
4- Leedy & Ormrod
5- Gastel & A.Day

۱. حرکت‌های ارتباطی‌بلاغی و گام‌های اصلی به کار رفته در بخش مقدمه مقالات علمی-پژوهشی رشته علوم قرآن و حدیث کدام است؟
۲. بخش مقدمه مقالات علمی‌پژوهشی رشته علوم قرآن و حدیث تا چه میزان از ساختار ژانری الگوی نظری پژوهش (سویلز، ۲۰۰٤) پیروی می‌کند؟
۳. آیا حرکت‌ها و گام‌هایی در ژانر مقالات علمی‌پژوهشی رشته علوم قرآن و حدیث وجود دارد که از سوی الگوی نظری سویلز پیش‌بینی نشده باشد؟
٤. ژانر مقالات علمی‌پژوهشی حوزه علوم قرآن و حدیث در بخش مقدمه تا چه حد از تنوع و مشابهت ساختاری برخوردار است؟

پیشینه پژوهش

در این بخش، به دلیل نبود هیچگونه مطالعه ژانرمحور در حوزه علوم قرآن و حدیث، صرفاً به تناسب بحث به چند نمونه از آثار محققان خارجی و داخلی که در چارچوب تحلیل ژانر در باب مقدمه مقالات علمی‌پژوهشی در حوزه‌های علمی گوناگون نوشته شده‌اند اشاره می‌شود.

بعد از ذکر اثر پیشگام سویلز (۱۹۸۱) و آثاری که جهت بسط آن از جانب وی (۱۹۹۰، ۲۰۰٤) نگاشته شده‌اند، می‌توان به مطالعات ژانری متعددی در مورد بخش مقدمه مقالات از سوی محققان خارجی اشاره کرد. برای نمونه، سامراج[1] (۲۰۰۸)، هایلند (۲۰۰۹)، اُزتورک (۲۰۰۷)، بایبِر و همکاران (۲۰۰۸)، فیئَک و سویلز (۲۰۱۱)، کورتِس (۲۰۱۳)، وانّاروک[2] و اَمنوآی[3] (۲۰۱۵)، و مورِنو و سویلز (۲۰۱۸) در حوزه زبان‌شناسی کاربردی، دِلسَز-روبیو (۲۰۱۱) در حوزه کشاورزی، کانوکسیلاپاثام[4] (۲۰۱۱) در حوزه مهندسی راه و ساختمان، یو (۲۰۱۵) در حوزه بازرگانی و تجارت، کانینگهام (۲۰۱۷) در حوزه ریاضی و لو و همکاران (۲۰۲۱) در علوم اجتماعی به مطالعه پرداخته‌اند.

از جمله آثار محققان ایرانی که اکثراً به زبان انگلیسی نوشته شده‌اند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود. رضایی و صیفوری (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای تطبیقی به تحلیل انواع اطلاعات در بخش های «مقدمه» و «بحث» در مقالات پژوهشی پزشکی ISI و غیر ISI ایرانی به زبان

1- Samraj
2- Wannaruk
3- Amnuai
4- Kanoksilapatham

انگلیسی می‌پردازند. عطائی و حبیبی (۲۰۰۹) با استفاده از الگوی سویلز، ساختار سبکی و مغایرت‌های موجود در مقدمه مقالات پژوهشی در رشته‌های مرتبط با زبان شناسی کاربردی را بررسی می‌کنند. سهیلی زاده (۱۳۹۵) نیز با الگوی مزبور به مقایسه حرکت‌های اصلی و فرعی در بخش مقدمه مقالات چاپ شده به زبان انگلیسی در حوزه علوم پایه که توسط محققان ایرانی و انگلیسی زبان نوشته شده پرداخته است. امیرشیبانی (۲۰۱۵) به بررسی تطبیقی بخش مقدمه مقالات دو رشته پرستاری و آموزش زبان انگلیسی می‌پردازد. جلیلی‌فر و گل‌کار موسوی (۲۰۱٦) با استفاده از الگوی سویلز (۱۹۹۰) و باتیا (۱۹۹۳ و ۱۹۹۷) جهت بررسی پدیده اختلاط ژانر به عنوان عاملی بیناگفتمانی، سه نوع ژانر از مقدمه کتاب‌های دانشگاهی یعنی، سرآغاز، مقدمه و پیش‌گفتار را از لحاظ کاربردها و ساختارهای ژانری بالقوه مورد مطالعه قرار می‌دهند. دوبختی و ظهرابی (۲۰۱۷) در تحقیقی مبتنی بر تحلیل ژانر جهت بررسی مقالات پژوهشی کمی و کیفی به دنبال پاسخ به این سؤال‌اند که چگونه نویسندگان کار خود را در بخش مقدمه مقالات معرفی می‌کنند؟ اسفندیاری (۲۰۱۹) نیز بر اساس روش ژانرمحور به تبیین بخش مقدمه رساله های دکتری در ایران می‌پردازد. ابراهیمی و ویسی (۲۰۱۹) نیز به تنوع ژانری در بخش مقدمه مقالات در ژورنال‌های داخلی و خارجی حوزه علوم کامپیوتر با استفاده از الگوی نظری سویلز (۲۰۰٤) پرداخته‌اند.

روش پروهش

در این بخش، به ترتیب به پیکره تحقیق و روش انجام پژوهش اشاره می‌شود.

۳-۱ پیکره پژوهش

پیکره پژوهش حاضر، متشکل از کل بخش مقدمۀ ۸۰ مقاله علمی‌پژوهشی برگرفته از ۸ مجلۀ معتبر حوزه علوم قرآن و حدیث است. به منظور انتخاب پیکره، از میان بیش از ۳۰ مجله مرتبط با مطالعات علوم قرآن و حدیث، ۸ مجله علمی‌پژوهشی معتبر با ارزشیابی مختلف (طبق ارزشیابی سامانه نشریات وزارت علوم در سال ۱۳۹۹) انتخاب شد. سپس از هر مجله، مقالات منتشرشده در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ (بازه ۵ ساله) انتخاب گردید. **در گام بعدی تلاش شد از هر مجله به طور مساوی ۱۰ مقاله با حجم تقریباً یکسان و دارای مبنای نظری زبان-شناختی معین به روش نمونه‌گیری قضاوتی انتخاب شود. نهایتاً پس از انتخاب این ۸۰ مقاله،**

بخش مقدمه این مقالات به عنوان پیکره نهایی پژوهش تعیین شد. جدول (۱) نام و مشخصات هر مجله را نشان می‌دهد.

جدول ۱- ترکیب پیکره

عنوان مجله	صاحب امتیاز	تعداد مقالات	رتبه ارزیابی در سال ۱۳۹۹
پژوهش‌های قرآن و حدیث	دانشگاه تهران	۱۰	ب
مطالعات قرآن و حدیث	دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)	۱۰	ب
مطالعات ترجمه قرآن و حدیث	دانشگاه تربیت مدرس تهران	۱۰	ج
پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن	دانشگاه پیام نور	۱۰	ب
پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن	دانشگاه اصفهان	۱۰	ب
پژوهش‌نامه قرآن و حدیث	انجمن علمی علوم قرآن و حدیث ایران	۱۰	ب
تحقیقات علوم قرآن و حدیث	دانشگاه الزهرا (سلام‌الله علیها)	۱۰	الف
پژوهش‌های ادبی-قرآنی	دانشگاه اراک	۱۰	ب
تعداد کل:		۸۰	

۲-۳ روش انجام پژوهش

روش انجام کار نیز خود شامل چند مرحله است. پس از انتخاب پیکره، مقدمهٔ همهٔ ۸۰ مقاله، جمله به جمله به دقت مطالعه و بازمطالعه شد و نوع و تعداد حرکت‌ها و گام‌های موجود در هر مقدمه بر اساس الگوی ایجاد فضای پژوهشی[1] (CARS[2]) سویلز (۲۰۰٤) شناسایی و کدگذاری شد. در پژوهش حاضر، علاوه بر دو سطح حرکت و گام در الگوی کارس، کارکردهای ژانری زیرگام‌ها را نیز به عنوان کوچک‌ترین واحد تحلیل در نظر می‌گیریم تا به توصیف جامع‌تری از ساختارهای بلاغی بخش مقدمه دست یابیم. در پایان، جهت بررسی

1- Create A Research Space

۲- از اینجا به بعد در سرتاسر مقاله از سرواژه «کارس» به جای این عبارت استفاده می‌شود.

تنوع ژانری، به کاوش تطبیقی مقدمه مقالات مجلات حوزه علوم قرآن و حدیث خواهیم پرداخت تا تفاوت‌ها و شباهت‌های مجلات مربوط، از منظر مراحل و (زیر)گام‌ها را مشخص و به سؤالات پژوهش پاسخ روشن دهیم.

مبنای نظری پژوهش

در این بخش به عمده‌ترین مفاهیم و متغیرهای کلیدی مرتبط با پژوهش حاضر و مشخصاً الگوی ژانربنیاد سویلز (۲۰۰٤) خواهیم پرداخت.

٤-۱ الگوی نظری سویلز (۲۰۰٤)

همانطور که در مقدمه اشاره شد رویکرد تحلیل ژانر عمدتاً بر مبنای تحلیل‌های سویلز (۱۹۸۱، ۱۹۹۰، ۲۰۰٤) در مورد مقدمه مقالات علمی‌پژوهشی استوار است. الگویی که در این حوزه آثاری فوق‌العاده به همراه داشته و در سطحی گسترده بویژه برای بررسی ساختار گفتمانی مقدمه مقالات پژوهشی، پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، رساله‌های دکتری و کتاب‌های دانشگاهی به کار رفته، الگویی است موسوم به «کارس». این الگو اولین بار سال ۱۹۹۰ مطرح و در ۲۰۰٤ جهت رفع محدودیت‌هایی که از سوی بسیاری از محققان ابراز شده بود بازنگری شد. در این الگو از دو مفهوم حرکت و گام برای بررسی الگوهای بلاغی[1] و ساختار گفتمانی متون استفاده می‌شود. منظور از حرکت یا واحد ارتباطی همانطور که سافنیل (۲۰۰۰، ۸۲) بیان می‌کند یعنی بند[2] یا مجموعه‌ای از بندها یا پاراگراف که دلالت روشنی از یک هدف ارتباطی قابل شناسایی و خاص را نشان می‌دهد. این دلالت از طریق سرنخ‌های زبانی یا با استنباط از اطلاعات خاص در متن نشان داده می‌شود. واحدهای ارتباطی یا حرکت‌ها در متنی خاص با همدیگر مجموعه‌ای از اهداف ارتباطی مربوط به ژانر متن را توسعه می‌دهند. نکته مهم در مورد حرکت اینکه، حرکت یک واحد نقشی یا کارکردی است نه صوری (سویلز، ۲۰۰٤، ۲۲۹). اگر درون یک حرکت، واحدهای ارتباطی کوچکتری برای نائل شدن به هدف ارتباطی آن حرکت وجود داشته باشد، از آن به عنوان واحد ارتباطی زیرین یا گام یاد می‌شود. از این رو، گام یعنی بخشی از یک متن حاوی شکلی خاص از اثر بلاغی که برای تحقق هدف ارتباطی حرکت ضروری است. به عبارت دیگر، گام‌ها راهبردهایی برای رمزگذاری اهداف

1- rhetorical
2- clause

ارتباطی هستند. گام‌ها اغلب با سرنخ‌های زبانی یا گفتمانی در متن یا با استنباط از بافت مشخص می‌شوند (ملک‌زاده، ۲۰۲۰، ۱۰۵). سیمای کلی این الگوی نظری برای تحلیل بخش مقدمه مقالات پژوهشی در شکل ۱ به وضوح ترسیم شده است. همانطور که در شکل ۱ مشاهده می‌کنید، تنها در حرکت اولِ بخش مقدمه، دادن ارجاع اجباری است. نکته قابل ذکر دیگر در مورد این الگو، ضرورت یا عدم ضرورت استفاده از برخی از گام‌ها ذیل حرکت‌های دوم و سوم است که بسته به ماهیت رشته‌ها نه تنها برخی از این گام‌ها ممکن است اختیاری، بلکه به لحاظ ترتیب نیز می‌توانند متغیر و در جایگاه‌های دیگری نیز ظاهر شوند.

حرکت‌ها	گام(ها)
حرکت ۱: مشخص کردن قلمرو تحقیق (نقل قول اجباری است)	حرکت از کلیت موضوع به سمت جزئیات بیشتر
حرکت ۲: نشان دادن خلأ پژوهشی (نقل قول اختیاری است)	گام ۱ (الف): نشان دادن خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین یا گام ۱ (ب): اضافه کردن چیزی به دانش موجود
	گام ۲: ارائه توجیه مثبت برای انجام تحقیق حاضر (اختیاری)
حرکت ۳: معرفی پژوهش حاضر (نقل قول اختیاری است)	گام ۱: معرفی مفصل تحقیق حاضر و/یا بیان هدف آن (اجباری)
	گام ۲: بیان سؤالات یا فرضیه‌های تحقیق (اختیاری[۱])
	گام ۳: توضیحات تعریفی (اختیاری[۲])
	گام ٤: خلاصه‌ای از روش تحقیق (اختیاری[۳])
	گام ٥: بیان نتایج اصلی تحقیق (صرفاً در برخی از رشته‌های علمی امکان وقوع دارد)
	گام ٦: بیان ارزش تحقیق حاضر (صرفاً در برخی از رشته‌های علمی امکان وقوع دارد)
	گام ۷: ارائه طرح کلی ساختار پژوهش (صرفاً در برخی از رشته‌های علمی امکان وقوع دارد)

شکل ۱- الگوی بازنگری‌شده CARS (برگرفته از سویلز، ۲۰۰٤، ۲۳۲-۲۳۰)

۱- اختیاری و به لحاظ ترتیب متغیر است.
۲- اختیاری و به لحاظ ترتیب متغیر است.
۳- اختیاری و به لحاظ ترتیب متغیر است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

این بخش متشکل از چند بخش است: در بخش نخست، جهت درک بهتر بحث، صرفاً چند مورد از رعایت هر حرکت و گام از مقدمه مقاله‌های مورد بررسی پیکره به عنوان نمونه ارائه می‌گردد. در بخش دوم، به تحلیل آماری داده‌ها در قالب بسامد و درصدفراوانی همه حرکت‌ها و گام‌های آن‌ها در پیکره تحقیق پرداخته خواهد شد، و نهایتاً، به بحث، تفسیر و چرایی آمار به دست‌آمده اشاره خواهد شد.

۵-۱ نمونه حرکت‌ها و گام‌ها

حرکت اول (تعیین قلمرو موضوع): در این حرکت، (قلمرو) موضوع معرفی می‌شود. شیوه صحیح بازنمایی این حرکت به نحوی است که نویسنده اثر از کلیت موضوع (قلمرو وسیع‌تر) به سمت جزئیات بیشتر و اصل موضوع و عنوان مقاله حرکت می‌کند. در این حرکت، اغلب مروری بر آثار پیشین مرتبط با پژوهش نیز به منظور تقویت ادعاهای نویسنده مطرح می‌شود که می‌تواند به خواننده این اطمینان را بدهد که مقاله، موضوع ارزشمند و مسئله‌ای جدی را دنبال می‌کند. در نمونه‌های زیر (به دلیل محدودیت حجم مقاله) صرفاً شاهد نقطۀ شروع این حرکت هستیم[۱]:

۱) «واژه بافت در زبان‌شناسی در حوزه‌های غربی، ***در چند دهه اخیر گسترش پیدا کرده است*** و در حوزه اسلامی و آثار قرآن‌پژوهان، تحت عنوان سیاق، قرینه و مقتضای حال، قابل پی‌جویی است».

۲) «ابعاد زیبایی‌شناسی پدیده «تکرار» ***از دیرباز مورد توجه*** علمای نحو و بلاغت قرار گرفته و هر کدام بابی را به این مسئله اختصاص داده‌اند».

۳) «***یکی از مهمترین*** نمودهای زبان، گفتار و قول است و قرآن کریم برای مفهوم‌سازی این جلوه از زبان، حوزه‌های مفهومی مختلفی را به کار برده است».

حرکت دوم (تعیین خلأ پژوهشی): به محدودیت‌های حاکم در پژوهش‌های موجود، جهت بررسی اشاره می‌کند که با دو گام همراه است.

۱- واژه‌هایی که *ایرانیک* (*مورب*) شده‌اند، در این نمونه و حرکت‌های دیگر، معمولاً جزء لاینفک چنین حرکت‌هایی محسوب می‌شوند.

حرکت دوم، گام ۱ (الف و ب) (نشان دادن خلأ و افزودن چیزی به دانش موجود): این گام به خلأ در پژوهش‌های پیشین اشاره دارد. در انجام چنین کاری، نویسنده نیاز برای تحقیق حاضر را در ذهن مخاطب شکل می‌دهد. برای نمونه:

۱) «تا جایی که نگارندگان پژوهش حاضر اطلاع دارند هنوز هیچ مطالعه مجزایی به طور خاص به تبیین رابطه معرفگی با مرجعداری در ارتباط با مسئله تفکیک عناصر پیش‌ارجاعی در متن قرآن کریم نپرداخته است».

حرکت دوم، گام ۲ (ارائه توجیه مثبت برای انجام پژوهش حاضر): نویسندگان در این گام، نیاز برای انجام پژوهش حاضر را به صراحت بیان کرده و دلایل مثبت برای انجام تحقیق را ارائه می‌کنند. برای نمونه:

۲) «اما از آنجا که وی اجزاء این نظریه را مد نظر قرار نداده و روش وی دارای کاستی‌هایی است بررسی و تبیین آن در حوزه مطالعات قرآنی ضروری به نظر می‌رسد. بهره‌گیری از نظریه حوزه معنایی در بررسی‌های قرآنی می‌تواند شبکه به هم پیوسته مفاهیم قرآن و ارتباطات بین‌واژگانی آن را روشن سازد».

حرکت سوم (معرفی پژوهش حاضر): این حرکت که شامل ۷ گام است به توصیف کلی تحقیق می‌پردازد.

حرکت سوم، گام ۱ (معرفی تحقیق حاضر): این گام به شرح اهداف تحقیق می‌پردازد. کلیدواژه‌های عمده مورد استفاده در نمونه‌های زیر برجسته شده‌اند:

۳) «پژوهش حاضر در تلاش است تا با تکیه بر روش توصیفی‌تحلیلی و با هدف کشف روابط فرامتنی قرآن، به میزان صراحت و پوشیدگی نظام زبانی سورهٔ مبارکهٔ قصص بپردازد».

حرکت سوم، گام ۲ (بیان سؤالات یا فرضیه‌های تحقیق): هدف اصلی این گام، ارائه شفاف سؤالات و (در صورت وجود) فرضیات تحقیق است. برای نمونه:

٤)«لذا این نوشتار پاسخ به سؤالات زیر را دنبال می‌کند: ۱) انواع و ویژگی افعال حرکتی در قرآن چیست؟ ۲) این افعال چه کارکردی در مفهوم‌سازی‌های قرآنی دارند؟»

حرکت سوم، گام ۳ (توضیحات تعریفی): این گام به شفاف‌سازی و توصیف جزئیات اصطلاحات کلیدی خاص به کار رفته در تحقیق می‌پردازد. برای نمونه:

۵) «تحلیل گفتمان شیوه خاصی برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است ...».

حرکت سوم، گام ٤ (خلاصه‌ای از روش تحقیق): ذکـر خلاصـه‌ای از روش تحقیـق، هـدف اصلی این گام است.

٦) «روش پژوهش حاضر، معناشناسی همزمانی است که با حذف مؤلفه زمان، تفـاوت‌هـا و تمایزهای مفاهیم را، مورد توصیف و تحلیل قرار می‌دهد».

حرکت سوم، گام ٥ (بیان نتایج اصلی تحقیق): چنین گامی در پیکره پژوهش حاضر مشاهده نشد.

حرکت سوم، گام ٦ (بیان ارزش تحقیق حاضر): این گام به ارائه محاسن و امتیـازات تحقیـق فعلی در ارتباط با کاربردها و استلزمات آن اشاره دارد که ممکن است با ذکر هدف نیـز همـراه شود. برای نمونه:

۷) « پژوهشی جامع در حوزه ریشه‌شناسی مفردات قرآن تنها زمانی برای محقق امکان‌پذیر است که او از سیر تحولات زبان عربی عصر نزول اطلاع کافی داشته و مبتنی بر آن، ابزارهـا و روش های مناسبی را برای فهم واژگان بکار برد. ... ازاین‌رو مقاله پیش رو با هـدف بـازتعریف ریشه‌شناسی مفردات قرآن به دنبال آن است تا در سه گام، ضمن مشخص نمودن رابطـه دقیـق میان ریشه‌شناسی کلمات قرآن و آگاهی از تحولات تـاریخی زبـان عربـی، تصـویر روشـنی از ریشه‌شناسی واژگان قرآن ارائه دهد».

حرکت سوم، گام ۷ (ارائه طرح کلی ساختار پژوهش): این گام، به ساختار کلی تحقیق مـی-پردازد تا به مخاطب بگوید که در تحقیق حاضر باید انتظار چه بخش‌هایی را داشته باشد. بـرای نمونه:

۸) «پژوهش حاضر، به جز *مقدمه و بیان مسئله* مشتمل بر چهار بخش اصلی دیگر می‌باشد. بخش دوم به *پیشینه پژوهش*، بخش سوم به *مبنای نظری*، و بخش چهارم بـه *تجزیـه و تحلیـل داده‌ها* جهت بررسی ساخت وجهی پیکره و آنگاه تبیین شناختی و رده‌شناختی نتایج حاصـل از آن می‌پردازد. بخش آخر نیز به نتیجه‌گیری اختصاص دارد»

۵-۲ تحلیل کمّی داده‌ها

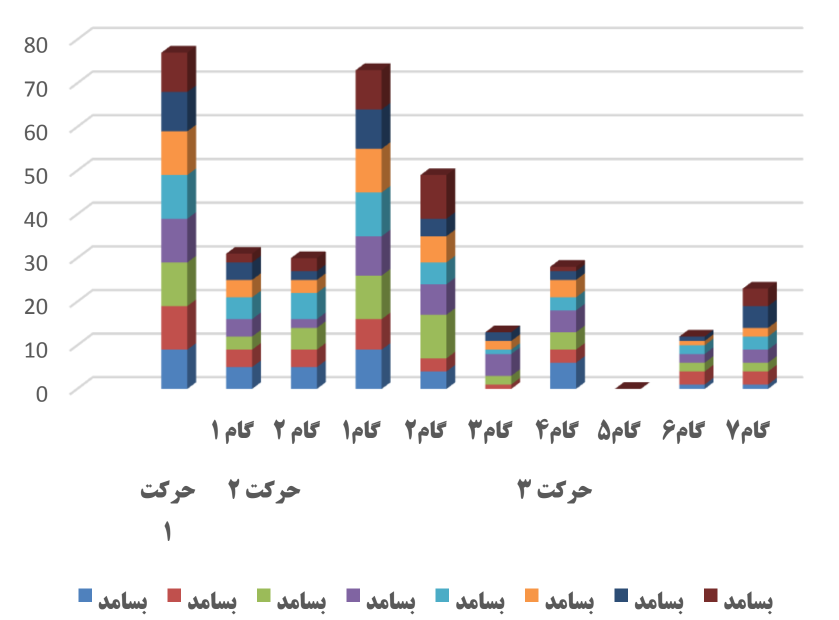
در جدول شماره ۲، میزان رعایت معیارها در هر مجله به تفکیک حرکت و گام بـر اسـاس بسامد و درصد وقوع مشخص شده است.

جدول ۲- بسامد و درصد وقوع حرکت‌ها و گام‌ها در کل مجلات

حرکت‌ها و گام‌ها		بسامد: پژوهش‌های قرآن و حدیث (از ۱۰)	مطالعات قرآن و حدیث (از ۱۰)	مطالعات ترجمه قرآن و حدیث (از ۱۰)	پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن (از ۱۰)	پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن (از ۱۰)	پژوهش‌نامه قرآن و حدیث (از ۱۰)	تحقیقات علوم قرآن و حدیث (از ۱۰)	پژوهش‌های ادبی-قرآنی (از ۱۰)	کل (از ۸۰)	درصد
ح.۱		۹	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۱۰	۹	۹	۷۷	٪۹۶.۲۵
ح.۲	گ.۱	۵	۴	۳	۴	۵	۴	۴	۲	۳۱	٪۳۸.۷۵
	گ.۲	۵	۴	۵	۲	۶	۳	۲	۳	۳۰	٪۳۷.۵
ح.۳	گ.۱	۹	۷	۱۰	۹	۱۰	۱۰	۹	۹	۷۳	٪۹۱.۲۵
	گ.۲	۴	۳	۱۰	۷	۵	۶	۴	۱۰	۴۹	٪۶۱.۲۵
	گ.۳	۰	۱	۲	۵	۱	۲	۲	۰	۱۳	٪۱۶.۲۵
	گ.۴	۶	۳	۴	۵	۳	۴	۲	۱	۲۸	٪۳۵
	گ.۵	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
	گ.۶	۱	۳	۲	۲	۲	۱	۱	۰	۱۲	٪۱۵
	گ.۷	۱	۳	۲	۳	۳	۲	۵	۴	۲۳	٪۲۸.۷۵

در نمودار ۱ زیر نمایش هندسی این آمار را می‌توان ملاحظه کرد.

نمودار ۱- بسامد و درصد وقوع حرکت‌ها و گام‌ها در کل مجلات

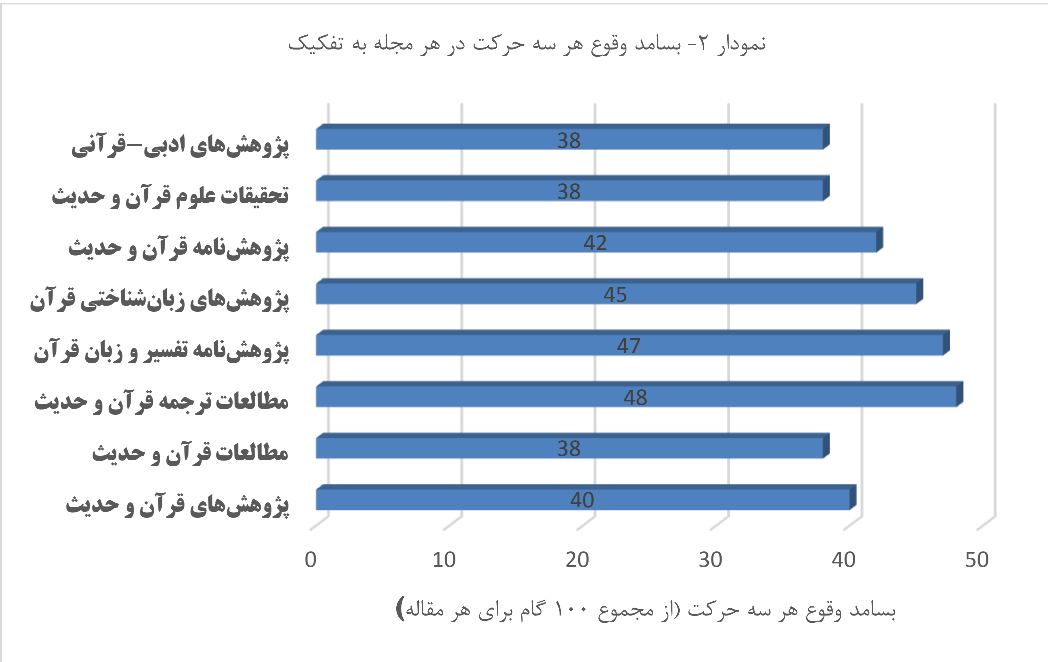


در جدول زیر بسامد وقوع هر سه حرکت در مقدمه مقالات نیز به تفکیک (هر مجلـه بـا ۳ حرکت شامل ۱۰ گام؛ ۱۰ مقاله برای هر مجله، لذا ۱۰۰ گام برای مقدمه هر مقالـه) آورده شـده است.

جدول ۳- بسامد وقوع هر سه حرکت در هر مجله به تفکیک

	بسامد								**کل (از ۸۰۰)**	**درصد**
	پژوهش‌های قرآن و حدیث (از ۱۰)	مطالعات قرآن و حدیث (از ۱۰)	مطالعات ترجمه قرآن و حدیث (از ۱۰)	پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن (از ۱۰)	پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن (از ۱۰)	پژوهش‌نامه قرآن و حدیث (از ۱۰)	تحقیقات علوم قرآن و حدیث (از ۱۰)	پژوهش‌های ادبی-قرآنی (از ۱۰)		
بسامد وقوع هر سه حرکت (از مجموع ۱۰۰ گام برای هر مقاله)	۴۰	۳۸	۴۸	۴۷	۴۵	۴۲	۳۸	۳۸	۳۳۶	٪۴۲

در نمودار ۲ نمایش هندسی این آمار را نیز می‌توان ملاحظه کرد.



نمودار ۲- بسامد وقوع هر سه حرکت در هر مجله به تفکیک

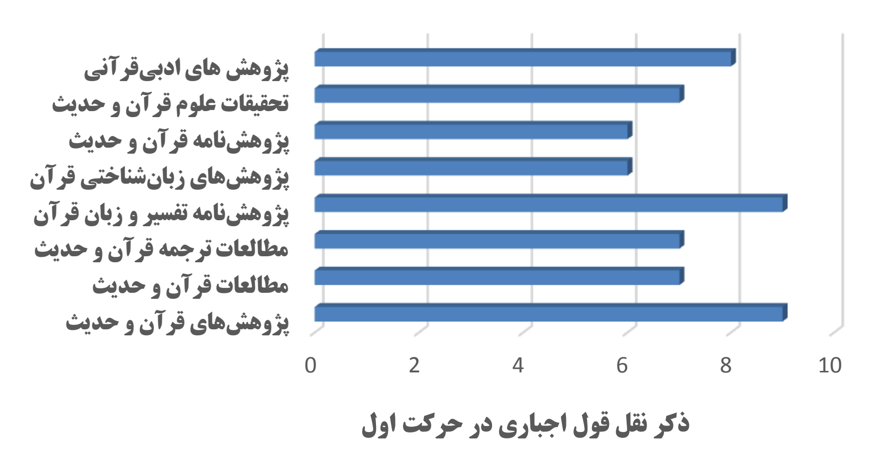
جدول زیر، میزان وقوع نقل قول اجباری در حرکت اول مقدمه مقالات پیکره را نشان مـی-دهد.

جدول ٤- بسامد وقوع نقل قول اجباری در حرکت اول

	بسامد								کل (از ۸۰)	درصد
	پژوهش-های قرآن و حدیث (از ۱۰)	مطالعات قرآن و حدیث (از ۱۰)	مطالعات ترجمه قرآن و حدیث (از ۱۰)	پژوهش-نامه تفسیر و زبان قرآن (از ۱۰)	پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن (از ۱۰)	پژوهش‌نامه قرآن و حدیث (از ۱۰)	تحقیقات علوم قرآن و حدیث (از ۱۰)	پژوهش-های ادبی-قرآنی (از ۱۰)		
ذکر نقل قول اجباری در حرکت اول	۹	۷	۷	۹	۶	۶	۷	۸	۵۹	٪۷۳.۷۵

نمودار ۳، این بسامد وقوع نقل قول اجباری را نمایش می‌دهد.

نمودار ۳- بسامد وقوع نقل قول اجباری در حرکت اول



جدول زیر نیز، به عنوان بخشی از نتایج فرعی پژوهش، بسامد وقوع خلأ در بخـش پیشـینه مقالات پیکره را نشان می‌دهد.

جدول ۵- بسامد وقوع خلأ در پیشینه

	بسامد								کل (از ۸۰)	درصد
	پژوهش‌های قرآن و حدیث (از ۱۰)	مطالعات قرآن و حدیث (از ۱۰)	مطالعات ترجمه قرآن و حدیث (از ۱۰)	پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن (از ۱۰)	پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن (از ۱۰)	پژوهش‌نامه قرآن و حدیث (از ۱۰)	تحقیقات علوم قرآن و حدیث (از ۱۰)	پژوهش‌های ادبی-قرآنی (از ۱۰)		
ذکر خلأ در پیشینه مقالات	۲	۱	۳	۴	۳	۲	۴	۲	۲۱	٪۲۶.۲۵

۵-۳ بحث و تفسیر داده‌ها

در این بخش، بر اساس نتایج حاصل از تحلیل کمّی داده‌ها، سعی خواهیم کرد به برخی از مهم‌ترین نکات در تبیین این نتایج به ترتیب در مورد بسامد و درصد وقوع حرکت‌های بلاغی-ارتباطی و زیرگام‌های مربوط اشاره کنیم.

۵-۳-۱: حرکت ۱: تعیین قلمرو تحقیق

بر اساس تحلیل کمّی، طبق جدول ۲، در مجموع پیکره (۸۰ مقاله)، ۷۷ مقاله (٪۹۶.۲۵ مقالات)، حرکت اول را در مقدمه لحاظ کرده‌اند و لذا تفاوت چندانی در باب رعایت این حرکت میان مجلات دیده نمی‌شود. همه مقالات از هر نوع یا ژانری که باشند باید ابتدا حوزه و قلمرو پژوهش خود را مشخص کنند و در همان محدوده قلمرو خود به بیان مسئله بپردازند. از این رو، به لحاظ شناختی و نظر به اینکه تا قلمرو موضوعی مشخص نشود، مخاطب نمی‌تواند با پژوهش ارتباط برقرار کند، درصد بالای این حرکت کاملاً منطقی و قابل توجیه و عدول از آن دشوار است، لذا، آنچه قابل تأمل است، عدم وجود حرکت اول در ۳ مقاله از پیکره است. در این پژوهش‌ها، متأسفانه به هیچ وجه قلمرو تحقیق تعیین نشده و مقدمه صرفاً با کلیاتی شروع شده ولی به موضوع و بعضاً حتی عنوان مقاله نیز اشاره نشده است. البته در جایی که نویسندگان از کلیت موضوع به سمت اصل و موضوع مقاله حرکت کرده باشند، در کدگذاری، عدد ۱ برای حرکت اول آن‌ها لحاظ شده است. در واقع، معیار تمایز عدد ۱ و ۰ برای تعیین حرکت اول در همین است که اگر نویسنده از قلمرو کلی موضوع به هر نحوی (با تغییر ناگهانی و عدم انسجام لازم و منطقی) به موضوع خاص پژوهش

حرکت کرده باشد، عدد ۱ ولی اگر فقط در کلیت کار معلق ماند، عدد ۰ برای حرکت اول منظور شده است. پرواضح است که در صورت اشاره مستقیم نویسنده به موضوع اصلی (شروع مقدمه با خود موضوع خاص مقاله و نه پس از حرکت از کلیت موضوع به موضوع خاص مقاله) نیز عدد ۱ را برای چنین حرکتی اختصاص داده‌ایم. نکته دیگر اینکه، ارجاع و نقل قول داشتن در مورد حالت دوم (عدم حرکت از کل به جزء) اصلاً ملاکی جهت اختصاص عدد ۱ برای حرکت اول نبوده؛ یعنی چه نقل قول وجود داشته باشد چه نداشته باشد عدد صفر لحاظ شده است. بعلاوه، در حالت اول نیز نقل قول اجباری الزاماً دلیلی بر داشتن یا نداشتن حرکت اول تلقی نگردیده است. از این رو، برخی از مقالات نقل قول اجباری در حرکت اول نداشته‌اند ولی به تناسب ژانری که داریم عدد ۱ را برای حرکت اول آن‌ها اختصاص داده‌ایم. بر اساس جدول ٤، از مجموع ۸۰ مقاله، صرفاً در مقدمهٔ ۵۹ مقاله (۷۳.۷۵٪ مقالات) در حرکت اول نقل قول اجباری داریم. دو مجله *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن* و *پژوهشنامه قرآن و حدیث* در این زمینه نسبت به بقیه مجلات درصد کمتری داشته‌اند. با مقایسه آمار جدول ٤ با جدول ۲ معلوم می‌شود که در ۲۱ مورد بدون حتی ذکر نقل قول اجباری، قائل به حرکت اول شده‌ایم. این امر خود یکی از تفاوت‌های اصلی ژانر مقالات حوزه علوم قرآن و حدیث با رویکرد پیشنهادی سویلز (۲۰۰٤) است که برای حرکت اول قائل به نقل قول اجباری است.

اما آنچه در مورد نحوه اجرای حرکت اول قابل ذکر است بدین شرح است. به جز این سه مقاله، در بیش از ۱۰ درصد دیگر از مقالات پیکره نیز اگرچه حرکت اول را داریم اما نحوه بازنمایی این حرکت دارای نواقص و ایرادات جدی است. رایج‌ترین مشکل اینکه نویسندگان به درستی از کلیت موضوع به جزئیات بیشتر و اصل مقاله نرسیده‌اند و متأسفانه این کار بدون پیوستگی و انسجام منطقی بین بندها بوده است. به عبارت بهتر، نویسندگان به طور ناگهانی و بدون پیوستگی معنایی و انسجام دستوری و واژگانی لازم (برای مثال، بدون استفاده از حروف ربط و توالی مناسب) از کلیت موضوع به موضوع اصلی مقاله حرکت کرده‌اند و فرایند قیاسی لازم برای این کار (حرکت از کل به جزء) را رعایت نکرده‌اند. البته این مشکل، صرفاً در مورد حرکت اول وجود ندارد، بلکه در گذر از حرکت اول به حرکت دوم و متعاقباً از حرکت دوم به حرکت سوم نیز شاهد چنین تغییرهای ناگهانی و فاقد انسجام منطقی لازم در پیکره پژوهش

هستیم. در مواردی حتی، (علیرغم وجود حرکت دوم)، انتقال مستقیم و ناگهانی از حرکت نخست به حرکت سوم نیز مشاهده شد.

۵-۳-۲: حرکت ۲: تعیین خلأ پژوهش

بر اساس تحلیل کمی، طبق جدول ۲، در مجموع پیکره، ۳۱ مقاله (۳۸.۷۵٪ مقالات) گام اول و ۳۰ مقاله ((۳۷.۵٪ مقالات) گام دوم حرکت دوم را در مقدمه گنجانده‌اند. در مورد گام اول حرکت دوم، دو مجله *پژوهش‌های قرآن و حدیث* و *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن* با بسامد ۵، بیشترین بسامد و مجله پژوهش‌های ادبی–قرآنی با بسامد ۲، کمترین بسامد را احراز کرده‌اند. در مورد گام دوم حرکت دوم، مجله *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن* با بسامد ٦، بیشترین فراوانی و دو مجله *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن* و *تحقیقات علوم قرآن و حدیث* با بسامد ۲، کمترین فراوانی را دارند. آمار بسیار پایین گام‌ها در حرکت دوم (با میانگین ۳۸.۱۲۵ برای کل حرکت دوم در مجموع پیکره) را شاید بتوان با دلایل گوناگونی توجیه و تبیین کرد. از جمله دلایل اصلی فقدان گام اول حرکت دوم می‌توان به نداشتن مسئله جدی و عدم وجود شکاف یا خلأ تحقیقاتی اشاره کرد. اما در مواردی چنین دلیلی الزاماً صحیح نیست زیرا در مقالات معدودی از پیکره مشاهده شد که علیرغم داشتن مسئله جدی و به تبع خلأ در تحقیق، متأسفانه نویسنده مقاله به خلأ اشاره نکرده و به شکل غیرمنسجم و ناگهانی از حرکت اول به حرکت سوم تحقیق گذر نموده است. از این رو، شاید دلیل این امر عدم آگاهی لازم نویسنده از مبانی نوشتن یک مقدمه خوب بوده باشد. بنابراین، به طور کلی، نبود گام اول در حدود ٦٢ درصد از مقاله‌ها می‌تواند دو علت داشته باشد: ۱) نویسنده مسئله‌ای جدی برای نوشتن تحقیق ندارد ۲) نویسنده با ساختار و سازمان‌دهی یک مقدمه خوب که رویکرد نظری سویلز، سرنمون چنین الگویی است آشنا نیست؛ یعنی نویسنده علی‌رغم داشتن مسئله جدی، آگاهی کافی درمورد نحوهٔ نوشتن مقدمه مقاله ندارد و به همین علت، این گام مغفول مانده است. نظر به اینکه، بسامد بسیار پایین گام‌ها در حرکت دوم تا حد زیادی تعجب نویسنده سطور حاضر را برانگیخت، راقم غیر از مقدمه، بخش پیشینه مقالات پیکره را نیز در جستجوی خلأ و جنبه نوآوری کار مورد بررسی دقیق قرار داد. طبق تحلیل کمی در جدول ۵، در ۲۱ مقاله از مجموع ۸۰ مقاله، خلأ تحقیق در پیشینه ذکر شده است. شایان ذکر است تقریباً اکثر (بیش از ۹۰ درصد) این موارد در انتهای پیشینه قید شده‌اند. نکته جالب توجه دیگر اینکه برخی از مقالات

جدای از ذکر خلأ در حرکت دوم، خلأ را در پیشینه نیز آورده‌اند. از این رو، دلیل بخشی از آمار پایین گام اول حرکت دوم را شاید بتوان تا حدودی به جایگاه وقوع آن منتسب کرد. این مسئله، خود شاید یکی دیگر از تفاوت‌های ژانر مقالات حوزه علوم قرآن و حدیث با رویکرد پیشنهادی سویلز (۲۰۰٤) در مورد دیگر ژانرها بویژه ژانر حوزه‌های میان‌رشته‌ای مانند زبان-شناسی کاربردی است. در مورد آمار گام دوم حرکت دوم قبل بیان هر تبیینی ذکر نکته‌ای ضروری است. گام اول و گام دوم حرکت دوم رابطهٔ تنگاتنگی با یکدیگر دارند؛ یعنی اگر مقاله‌ای از گام اول برخوردار نباشد گام دوم را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد که آمار تقریباً یکسان گام اول و دوم خود شاهد این مدعی است. به عبارت دقیق‌تر، نبود گام اول، نشان‌دهندهٔ عدم نوآوری و فقدان خلأ در پژوهش است که متعاقباً و منطقاً به نبود گام دوم نیز منجر خواهد شد. در واقع، تا خلأ و نوآوری نباشد، ارائه دلیل و توجیه مثبت نیز برای پژوهش توجیهی نخواهد داشت. طبق جدول ۲، مواردی (٤ مقاله) از پیکره تحقیق که در آن‌ها بسامد گام دوم از گام اول بیشتر است را به نظر می‌رسد می‌توان به مسئله عدم آگاهی نویسنده از اصول مقدمه‌نویسی و همچنین عدم تعیین درست قلمرو تحقیق منتسب کرد. اما در مورد نحوه کاربست گام دوم حرکت دوم ذکر نکته‌ای اساسی حائز اهمیت است. در برخی از مقالات پیکره، نویسندگان به ارائه دلایل توجیهی مثبت و ضرورت استفاده از قلمرو کلی تحقیق مبادرت ورزیده‌اند و نه به ضرورت انجام موضوع خاص مقاله مربوط. برای نمونه، **در مقاله «تحلیل کارکرد افعال حرکتی در قرآن کریم با رویکرد شناختی** (مجله مطالعات قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق)»، نویسنده به ضرورت و دلایل مثبت برای استفاده از انگارهٔ شناختی پرداخته است و نه ارائه دلایل مثبت برای انجام تحقیق در باب کارکرد افعال حرکتی در قرآن با رویکرد شناختی. قطعاً این دو با هم بسیار متفاوت هستند و برای مثال در همین نمونه، پر واضح است که استفاده از رویکرد شناختی با این سطح از کاربست در حوزه‌های مختلف علمی نیاز به ارائه دلایل مثبت توجیهی ندارد و نویسنده باید به ارائه توجیه مثبت برای کار مقاله خود اقدام می‌کرد.

در اینجا لازم است به نکته‌ای در مورد تنوع توزیع حرکت دوم در مقدمه نیز اشاره‌ای مختصر داشته باشیم. در حدود ۱۰ درصد از مقالات پیکره، دچار تنوع جایگاهی و آشفتگی در سازماندهی گام‌های حرکت دوم بودیم که شناسایی گام‌ها را برای نگارنده سطور حاضر بسیار

دشوار می‌ساخت. برای نمونه در مواردی، گام اول حرکت دوم بعد از هدف (گام اول حرکت سوم) و یا بعد از گام سوم حرکت سوم؛ گام دوم از حرکت دوم قبل از گام اول از حرکت دوم (یعنی عملا در حرکت اول)؛ گام دوم حرکت دوم ذیل حرکت سوم و به شکلی در قالب گام ششم حرکت سوم ذکر شده و در نمونه‌هایی کل حرکت دوم قبل از حرکت اول گنجانده شده است. در حدود نیمی از موارد شاید علت این آشفتگی را ذکر هدف در دو جا (یکی قبل حرکت دوم، و دیگری بعد حرکت دوم) از مقدمه بتوان عنوان کرد ولی برای بقیه موارد توجیه قابل قبولی به نظر نمی‌رسد. از جمله نکات دیگر قابل ذکر در مورد حرکت دوم اینکه، نویسندگان برای گذر از این حرکت و انتقال به حرکت سوم، در مواردی گام دوم از حرکت دوم را (در صورت وجود) در تلفیق با گام اول حرکت سوم ذکر کرده‌اند.

۵-۳-۱: حرکت ۳: پر کردن یک خلأ (توصیف کلی تحقیق)

بر اساس تحلیل کمی، طبق جدول ۲ در مجموع پیکره، ۷۳ مقاله (۹۱.۲۵٪ مقالات) گام اول حرکت سوم را در مقدمه گنجانده‌اند. در این میان، مجله *مطالعات قرآن و حدیث* نسبتاً موفقیت کمتری را حاصل کرده است. بعد از حرکت اول (با ۹۶.۲۵٪)، گام اول حرکت سوم، پربسامدترین گامی است که از سوی نویسندگان محترم در مقدمه مقالات پیکره به کار بسته شده است. با توجه به اجباری بودن این گام و نقش ارتباطی و بلاغی خاص آن (معرفی مفصل تحقیق و/یا بیان هدف آن)، این بسامد بالا کاملاً قابل توجیه است. اما جایگاه وقوع این گام در پیکره تقریباً متزلزل است؛ در مواردی ذکر هدف در دو جای متفاوت در مقدمه (قبل حرکت دوم (و یا قبل یا ذیل حرکت اول) و بعد حرکت دوم) و در نمونه‌هایی نیز گام اول بعد از گام دوم، سوم و یا گام ششم حرکت سوم مشاهده شد. به طور کلی، در ۲۵ درصد از کل پیکره چنین تنوع توزیعی را شاهدیم. این تنوع جایگاهی گام اول که قاعدتاً ترتیب گام‌های دیگر ذیل حرکت سوم را نیز تحت تأثیر مستقیم قرار می‌دهد، طبق آنچه که در خود الگوی سویلز آمده، تا حدودی قابل پیش‌بینی بود. علاوه بر این، طبق الگوی نظری پژوهش، پس از تحلیل داده‌ها، ترتیب متفاوت و امکان وقوع برخی از گام‌ها ذیل حرکت سوم نیز کاملاً مشهود بود: غیر از تنوعاتی که مربوط به گام اول می‌شد و دیگر گام‌ها را نیز دستخوش تغییر می‌کرد، تنوعات دیگری نیز مشاهده شد؛ از ذکر گام دوم حرکت سوم در میان گام هفتم گرفته تا ذکر گام چهارم قبل از دوم.

پس از گام اول حرکت سوم، گام دوم (بیان سؤالات یا فرضیه‌های پژوهش)، بیشترین درصد بسامد (۶۱.۲۵٪) را در میان گام‌های حرکت سوم به خود اختصاص داده است. لازم به ذکر است صرفاً در دو مقاله از این آمار (از مجموع ٤٩ مقاله)، با فرضیه پژوهش سروکار داریم و در ٤٧ مورد دیگر فقط سؤالات پژوهش را شاهد بودیم. مجله *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث* این گام را به طور صددرصدی رعایت کرده و مجله *تحقیقات علوم قرآن و حدیث* با ٤٠٪، کمترین درصدفراوانی را دارد. علیرغم، اختیاری بودن این گام، درصد نسبتاً بالای این گام از اهمیت تصریح و شفاف‌سازی سؤالات پژوهش در ژانر مقالات مجلات علوم قرآن و حدیث حکایت دارد. به لحاظ جایگاه وقوع، رایج‌ترین جایگاه این گام پس از هدف و در انتهای بخش مقدمه بود.

گام سوم (توضیحات تعریفی) حرکت سوم، با توجه به اختیاری بودن ١٦.٢٥٪ از بسامد پایینی برخوردار است که در این میان مجله *پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن* با ٥٠٪، بیشترین درصد فراوانی را داراست و در مجلات *پژوهش‌های قرآن و حدیث* و *پژوهش‌های ادبی‌قرآنی* چنین گامی کلاً یافت نشد. علت اصلی این بسامد پایین (جدای از اختیاری بودن این گام) را می‌توان به ترجیح نویسندگان به تعریف و شفاف کردن اصطلاحات کلیدی در ابتدای مقدمه یا قبل از حرکت سوم عنوان کرد؛ چیزی که به وضوح در پیکره مورد بررسی مشاهده شد. در واقع، انگارهٔ نظری سویلز، چنین امکانی را برای درج تعریف‌ها در جایی دیگر، بویژه در حرکت اول مقدمه پیش‌بینی نکرده و در این باب مسکوت است. شاید بتوان این امر را یکی دیگر از تفاوت‌های ژانر مقالات حوزه علوم قرآن و حدیث با دیگر ژانرها قلمداد کرد. ناگفته پیداست که در تحقیقات میان‌رشته‌ای، با وجود بخش مجزایی تحت عنوان «مفاهیم/مبنای نظری پژوهش»، قاعدتاً استفاده از گام سوم حرکت سوم توجیه مناسبی ندارد و نویسنده با چنین تشخیصی که مفاهیم و اصطلاحات کلیدی پژوهش متعاقباً در بخش مزبور از شفافیت کافی برخوردار خواهند شد نیازی به تعریف و شفاف‌سازی آن‌ها در بخش مقدمه نمی‌بیند.

گام چهارم (خلاصه‌ای از روش پژوهش) نیز با توجه به اختیاری بودن درصد بالایی به خود اختصاص نداده است. مجله *پژوهش‌های قرآن و حدیث* با ٦٠ درصد رعایت، بهترین عملکرد و مجله پژوهش‌های ادبی قرآنی با ۱۰ درصد، کمترین میزان رعایت را داشته است.

گام پنجم (بیان نتایج اصلی تحقیق) در کل پیکره مشاهده نشد که طبق الگوی نظری سویلز با توجه به امکان وقوع این گام در برخی از رشته‌های علمی، این امر کاملاً قابل توجیه و متناسب با ماهیت ژانر مربوط است.

پس از گام پنجم (با بسامد صفر)، کمترین بسامد از میان گام‌های ذیل حرکت سوم متعلق به گام ششم (بیان ارزش تحقیق) است. تفاوت آنچنان معناداری میان مجلات در این باب به چشم نمی‌خورد ولی آنچه اهمیت دارد و یکی از محدویت‌های پژوهش حاضر نیز محسوب می‌شود سختی تفکیک این گام از گام‌های اول (بند ب) و دوم حرکت دوم با توجه به ترتیب متغیر و البته آشفته گام‌های ذیل حرکت دوم و حرکت سوم بود. به عبارت دقیق‌تر، از آنجا که معمولاً هدف‌های ارتباطی و بلاغی همچون افزودن چیزی به دانش موجود و ارائه توجیه مثبت برای انجام یک تحقیق نمی‌تواند چیزی بسیار متفاوت و جدای از بیان ارزش تحقیق باشد، در پیکره پژوهش، گام ششم از حرکت سوم، تا حد زیادی با گام‌های حرکت دوم همپوشانی دارد. لذا، تفکیک این گام‌ها به راحتی ممکن نبود و به دلیل تنوع توزیعی برخی حرکت‌ها، صرفاً بر اساس جایگاه وقوع آن‌ها تا حدی می‌شد در اختصاص آن‌ها به حرکت و گام خاصی موفق عمل نمود. از این رو، هر زمان که بیش از یک هدف ارتباطی در بافت موجود بوده، در این شریط ما طبق رایج‌ترین شیوه به پیروی از هولمز (۱۹۹۷)، تحلیل متن را بر اساس برجسته‌ترین کارکرد ارتباطی و بلاغی آن انجام و گام‌ها را کدگذاری کرده‌ایم.

گام هفتم (ارائه ساختار کلی پژوهش) نیز در ۲۳ مقاله از مجموع ۸۰ مقاله وجود دارد که مجله *پژوهش‌های قرآن و حدیث* با بسامد ۱، کمترین، و *مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث* با بسامد ۵، بیشترین میزان رعایت این گام را داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، بر اساس الگوی ژانربنیاد سویلز (۲۰۰٤) تلاشی بود برای بررسی ساختار بلاغی و حرکت‌های ارتباطی مقدمهٔ ۸۰ مقاله منتشرشده در بازه سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ از ۱۰ مجله معتبر علمی‌پژوهشی حوزه علوم قرآن و حدیث. بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتایج ذیل در پاسخ به سؤالات تحقیق ارائه می‌شود.

با توجه به نتایج تحقیق، حرکت‌ها و گام‌های به کار رفته در این ژانر به ترتیب درصد بسامد عبارتند از: حرکت اول (تعیین قلمرو موضوع) با ۹٦.۲٥٪، گام اول حرکت سوم (معرفی

مفصل تحقیق و/یا بیان هدف) با ۹۱.۲۵٪، گام دوم حرکت سوم (بیان سؤالات یا فرضیه‌های تحقیق) با ٦١.٢٥٪، گام اول حرکت دوم (نشان دادن خلأ پژوهش‌های پیشین) با ۳۸.۷۵٪، گام دوم حرکت دوم (ارائه توجیه مثبت برای انجام تحقیق) با ۳۷.۵٪، گام چهارم حرکت سوم (خلاصه‌ای از روش تحقیق) با ۳۵٪، گام هفتم حرکت سوم (ارائه ساختار کلی پژوهش) با ۲۸.۷۵٪، گام سوم حرکت سوم (توضیحات تعریف‌گونه) با ١٦.٢٥٪، گام ششم حرکت سوم (بیان ارزش تحقیق) با ۱۵٪ و گام پنجم حرکت سوم (بیان نتایج اصلی تحقیق) با بسامد صفر. لذا، مشاهده می‌شود به جز گام دوم حرکت سوم (که اختیاری است)، گام‌ها و حرکت‌هایی که طبق الگوی نظری وقوع آن‌ها اجباری است (حرکت اول، گام اول حرکت دوم، گام اول حرکت سوم) دارای بسامد بیشتری نسبت به بقیه حرکت‌ها و گام‌ها هستند و برای نویسندگان از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و اصلی‌تر محسوب می‌شوند. نظر به فراوانی بالای گام دوم حرکت سوم در این ژانر خاص، می‌شود ترجیح نویسندگان به تصریح سؤالات و یا فرضیات پژوهش را جزء اهداف ارتباطی‌بلاغی ویژه و یکی از گام‌های اصلی این ژانر تلقی کرد. این نتایج، به صورت کلی، بدین معناست که الگوی سویلز، قابلیت کاربست در حوزه مقالات رشته مزبور جهت بررسی و کسب اهداف آکادمیک را دارد.

به جز گام پنجم حرکت سوم که در هیچ مقدمه‌ای از پیکره پژوهش یافت نشد، تمامی حرکت‌ها و گام‌های الگوی سویلز از سوی نویسندگان این حوزه تخصصی در بخش مقدمه مقالات به خدمت گرفته شده که این امر البته با توجه به دامنه بسامدی حرکت‌ها و اجباری یا اختیاری بودن برخی از گام‌ها، دالّ بر رعایت تقریباً نسبی این الگوی ژانربنیاد است. طبق آمار جدول ۳، بسامد وقوع گام‌های هر سه حرکت از مجموع ۸۰۰ گام در کل ۸۰ مقدمه مقاله پیکره (۱۰۰ گام برای مقدمه هر مقاله: ۱۰ مقاله از هر مجله با ۳ حرکت شامل ۱۰ گام)، معادل ٣٣٦ یعنی ٤٢٪ است. با توجه به اینکه گام‌های دوم، سوم و چهارم از حرکت سوم اختیاری است، و گام‌های پنجم، ششم و هفتم حرکت سوم صرفاً در برخی از رشته‌های علمی امکان وقوع دارد، و همچنین نظر به اینکه گام‌های حرکت دوم در پیکره تحقیق، بسامد بسیار پایینی دارند، ژانر مقالات پژوهشی رشته علوم قرآن و حدیث، از الگوی نظری سویلز (٢٠٠٤) به درستی پیروی نکرده است. در اینجا، ذکر نکته‌ای در باب میزان رعایت بسیار پایین گام‌های حرکت دوم از باب آسیب‌شناسی تحقیق کاملاً به‌جا و ضروری است. بی‌شک، از جمله

ویژگی‌های یک اثر علمی خوب می‌توان به پـر کـردن یـک خـلأ پژوهشـی، داشـتن توجیـه و ضرورت جدی، مشارکت در دانش حوزه مربوطه و افزودن چیزی به دانش موجود، بیـان ایـده نو و در یک کلام داشتن اصالت اشاره کرد. در واقع، این ویژگی‌ها به طور خلاصه همان چیزی است که گام‌های حرکت دوم ناظر بر آن است. متأسفانه باید گفت طبـق تحلیـل کمـی داده‌هـا، حدود ٦٠ درصد مقالات پیکره (به جز موارد معدود بواسطه عدم آگاهی نویسـندگان از اصـول مقدمه‌نویسی)، از چنین آفتی یعنی عدم اصالت و نوآوری رنج برده و قاعدتاً چنـین آثـاری بـه دلیل نداشتن اصالت و نوآوری و پر نکردن هیچگونه خلأ خاص، هیچ‌گونه دانـش جدیـدی را نیز نمی‌توانند به حوزه مربوطه اضافه کنند. لذا، توجه دادن جـدی نویسـندگان محتـرم مقـالات پژوهشی به این مسائل، از جمله رسالت‌های اصلی مقاله حاضر است.

اگرچه به نظر می‌رسد هیچگونه حرکت و گام خاصی در ژانر مقالات علمی‌پژوهشی رشـته علوم قرآن و حدیث وجود ندارد که از سوی الگوی نظری سویلز برای بخش مقدمه پیش‌بینـی نشده باشد، اما به طور کلی ساختار بلاغی بخش مقدمه در مقالات ژانر علوم قرآن و حـدیث از لحاظ ذکر نقل قول اجباری در حرکت اول، تنوع توزیع و اهداف ارتباطی حرکت‌ها و زیرگـام-ها نسبتاً پیچیده و تا حدودی با رویکرد سویلز متفاوت است. برای نمونـه، ذکـر نقـل قـول در حرکت اول طبق الگوی سویلز اجباری است ولی در پژوهش حاضر، اگرچه بر اسـاس جـدول ٤، از مجموع ٨٠ مقاله، صرفاً در مقدمه ۵۹ مقاله (۷۳.۷۵٪ مقالات) در حرکـت اول نقـل قـول اجباری داریم ولی با مقایسه آمار جدول ٤ با جدول ٢ مشاهده می‌کنید که در ٢١ مـورد بـدون حتی ذکر نقل قول اجباری، قائل به حرکت اول شده‌ایم زیرا معیار ما برای قائل شـدن بـه ایـن حرکت الزاماً نقل قول اجباری نبوده و صرف تعیین قلمرو خاص موضوع با توجه به بسـندگی هدف ارتباطی و ماهیت ژانر مربوط کفایت می‌کرده است. یا در مورد جایگاه وقوع حرکـت‌هـا می‌توان به تنوع جایگاهی و آشفتگی در سازماندهی گام‌های حرکت دوم به میزان ١٠ درصد از مقالات پیکره، و تزلزل و تنوع توزیع گام اول حرکت سوم در ٢۵ درصـد از کـل پیکـره اشـاره نمود که شناسایی گام‌ها و حرکت‌ها را بعضاً در برخی مقـالات بـرای نویسـنده سـطور حاضـر دشوار می‌ساخت. جدای از موارد فوق‌الذکر، نتایج تحقیـق حـاکی از آن اسـت کـه گـام سـوم حرکت سوم (توضیحات تعریفی) در بسیاری از مقالات در حرکت اول قابل رؤیـت اسـت نـه

حرکت سوم. در واقع، انگارهٔ نظری سویلز، چنین امکانی را برای درج تعریف‌ها در جایی دیگر، بویژه در حرکت اول مقدمه پیش‌بینی نکرده و در این باب مسکوت است.

با توجه به جدول ۳، میزان رعایت گام‌ها در مقالات مجلات پیکره به ترتیب بسامد (از مجموع ۱۰۰ گام در ۳ حرکت) عبارت است از: مجله *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث* دانشگاه تربیت مدرس (با فراوانی ٤٨)، *پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن* دانشگاه پیام نور (با فراوانی ٤٧)، *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن* دانشگاه اصفهان (با فراوانی ٤٥)، *پژوهش‌نامه قرآن و حدیث* انجمن علمی علوم قرآن و حدیث ایران (با فراوانی ٤٢)، *پژوهش‌های قرآن و حدیث* دانشگاه تهران (با فراوانی ٤٠)، *تحقیقات علوم قرآن و حدیث* دانشگاه الزاهرا و *پژوهش‌های ادبی‌قرآنی* دانشگاه اراک (هر دو مجله با فراوانی ۳۸). اگرچه به طور کلی، مجله *مطالعات ترجمه قرآن و حدیث* در رعایت حرکت‌ها (و گام‌ها) بهترین عملکرد و دو مجله *تحقیقات علوم قرآن و حدیث* و *پژوهش‌های ادبی‌قرآنی* موفقیت کمتری را حاصل نموده‌اند، اما در گام‌های اصلی اجباری، شاهد تفاوت معنادار چشمگیری میان مجلات نیستیم. از این رو، با توجه به اختلاف بسامد تقریباً اندک میان اکثر مجلات در بخش مقدمه، ژانر مقالات علمی-پژوهشی حوزه علوم قرآن و حدیث اگرچه در بسامد برخی از گام‌ها و به لحاظ جایگاه وقوع برخی گام‌ها دارای اختلاف و تنوع است، ولی به لحاظ پیروی کلی از الگوی سویلز از ساختار بلاغی تقریباً یکسان برای سازماندهی اهداف ارتباطی برخوردار است. در واقع، بر اساس نتایج تحقیق حاضر، و البته با انجام تحقیقات گسترده‌تر، به نظر می‌رسد تمامی این تفاوت‌ها را می‌توان ذیل یک ژانر واحد تعریف کرد. اما مسلماً آنچه پوشیده نیست اینکه به طور کلی، نتایج تحقیق حاکی از عدم آگاهی کافی برخی از نویسندگان مقالات علمی‌پژوهشی ژانر علوم قرآن و حدیث نسبت به ساختار ژانری و حرکت‌های ارتباطی‌بلاغی مقدمه مقالات است. از این رو، نتایج تحقیق حاضر می‌تواند برای نویسندگان این مقالات، و همچنین نویسندگان تازه‌کار بویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دارای ارزش آموزشی و استلزامات ویژه جهت بهبود مقدمه-نویسی و همچنین برای محققانی که می‌خواهند مقالاتشان را در مجلات معتبر داخلی و خارجی چاپ کنند مفید فایده باشد، زیرا زمانی که نویسندگان مقالات با داشتن یک الگوی نظری معین، به صورت کاملاً علمی و گام به گام حرکت کنند و بتوانند در ابتدای مقاله با نوشتن مقدمه‌ای اصولی که تمامی حرکت‌ها و گام‌ها درآن رعایت شده پیش بروند قطعاً موفق

خواهند شد با ایجاد جذابیت و گیرایی لازم در همان ابتدای مقاله، ذهن مخاطب را برای سایر قسمت‌های پژوهش نیز درگیر و آماده پذیرش کنند. علاوه براین، پژوهش حاضر می‌تواند توسط ارزیابان و داوران مجلات علمی‌پژوهشی جهت ارزیابی نظام‌مند، اصولی و دقیق‌تر مقدمه مقالات مورد استفاده قرار گیرد. پرواضح است که نتایج اینگونه پژوهش‌ها می‌تواند کمک بسیار سودمندی را به سایر محققان حوزه‌های علمی ارائه دهد تا بتوانند حرکت‌ها و گام‌های مقدمه مقالات را در سطح گسترده‌تری از پژوهش‌ها بررسی و به شناسایی دقیق‌تر و بهتر آن‌ها در راستای اهداف آکادمیک کمک کنند. از این رو، با توجه به محدود بودن پیکره پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود جهت بررسی بیش از پیش در مورد مغایرت‌های مرتبط با هر رشته و ساختار بلاغی مقدمه‌های مقالات پژوهشی، به منظور تعمیم بهتر نتایج، در پیکره‌ای بزرگ‌تر، الگوی نظری سویلز را در ژانر فعلی و دیگر ژانرها به خدمت گرفت و درک بهتر و روشن‌تری از ساختار بلاغی و الگوهای ارتباطی حاکم بر ژانرهای مختلف و احیاناً ناهمگنی، اختلاط و پیوندخوردگی ژانرها به دست آورد.

منابع

1. Amirsheibani, M. (2015), Genre Analysis of ELT and Nursing Academic Written Discourse through Introduction, ***Journal of Applied Linguistics and Applied Literature: Dynamics and Advances*** *3*(2), 25-36. doi: 10.22049/jalda.2015.13695.
2. Atai, Mahmood Reza & Habibie, Pejman (2009), Exploring Sub-Disciplinary Variations and Generic Structure of Applied Linguistics Research Article Introductions Using CARS Model, ***The Journal of Applied Linguistics Vol.*** *2*, Issue 2, 26-51.
3. Biber, D, Connor, U, Upton, TA (2007), ***Discourse on the Move: Using Corpus Analysis to Describe Discourse Structure*** (Vol. 28). Amsterdam, The Netherlands: John Benjamin’s Publishing Co.
4. Blaxter, L., Hughes, C. &Tight, M. (2006). ***How to Research***. Open University Press (third ed.) Poland: Open University Press.
5. Cunningham, KJ. (2017), A phraseological exploration of recent mathematics research articles through key phrase frames. ***Journal of English for Academic Purposes,*** *25*(A1-A2): 71–83.
6. Del Saz-Rubio, MM (2011), A pragmatic approach to the macro-structure and metadiscoursal features of research article introductions in the field of agricultural sciences. ***English for Specific Purposes,*** *30*(3): 258–71.
7. Dobakhti, Leila & Zohrabi, Mohammad (2017), How do Writers Present Their Work in Introduction Sections? A Genre-based Investigation into

Qualitative and Quantitative Research Articles, ***Issues in Language Teaching (ILT),*** Vol. 6, No. 2, 181-207.

8. Ebrahimi, B, Weisi, H. (2019), Genre Variation in the Introduction of Scientific Papers in Iranian and International Computer Science Journals, ***Issues in Language Teaching (ILT)***, Vol. 8, No. 2, 51-82.
9. Esfandiari, R. . (2019), Definitional Clarifications in the Introductions of PhD theses: A Genre-Based Analysis, ***Journal of English Language Teaching and Learning*****, 11**(23), 57-93.
10. Feak, C. B., & Swales, J. (2011), ***Creating contexts: Writing introductions across genres***. MI: University of Michigan Press.
11. Gastel, Barbara & Robert, A. Day. (2016), ***How to write and publish a scientific paper*** (Eighth ed.). New York: Greenwood.
12. Halliday, M. A. K., & Martin, J. R (1993), ***Writing Science: Literacy and Discursive Power.*** London, Washington D.C.: The Falmer Press.
13. Hartley, J. (2008), ***Academic Writing and Publishing: A Practical Handbook***. New York: Routledg..
14. Holmes, R. (1997), Genre analysis and the social sciences: An investigation of the structure of research article discussion sections in three disciplines. ***English for Specific Purposes***, 16(4), 321–337.
15. Hyland, K. (2009), ***Academic Discourse***. London: Continuum
16. Jalilifar, Alireza (2010), Research Article Introductions: Sub-disciplinary Variations in Applied Linguistics. ***The Journal of Teaching Language Skills (JTLS)*** Vol. 2, No. 2, 29-55.
17. Jalilifar, Alireza & Golkar Musavi, Zeinab (2016), Genre Analysis and Genre-mixing Across Various Realizations of Academic Book Introductions in Applied Linguistics, ***The Journal of Teaching Language Skills (JTLS)*** *35*(1), 111-138.
18. Kanoksilapatham, B. (2011), Civil engineering research article introductions: textual structure and linguistic characterization. ***Asian ESP Journal***, *7*(2).
19. Leedy, P.D & Ormrod, J. E. (2015), ***Practical research: Planning and Design*** (Eleventh ed.). New York: Pearson.
20. Lu, Xiaofei, Yoon, Jungwan & Kisselev, Olesya. (2021)., Matching phrase-frames to rhetorical moves in social science research article introductions. ***English for Specific Purposes***, *61*, 63-83.
21. Martin, J. R. (1984), Language, register and genre, in F. Christie (ed.), ***Language Studies: Children's Writing: Reader***. Geelong, Victoria: Deakin University Press, pp. 21–9.
22. Martin, J. R. and Rose, D. (2007), ***Working with Discourse: Meaning Beyond the Clause*** (2nd edn). London: Continuum.
23. Martin, J. R. and Rose, D. (2008), ***Genre Relations: Mapping Culture***. London: Equinox

24. Miller, C. R. (1994), Genre as social action', Quarterly Journal of Speech, 70, 151–67. Reprinted in A. Freedman and P. Medway (eds). ***Genre and the New Rhetoric***, London: Taylor & Francis, pp. 23–42. (1984).
25. Montgomery, S. L. (1996), ***The Scientific Voice***. New York: The Guilford Press.
26. Moreno, A. I., & Swales, J. M, (2018). Strengthening move analysis methodology towards bridging the function-form gap. ***English for Specifc Purposes***, *50*, 40–63.
27. Ozturk, I, (2007). The textual organization of research article introductions in applied linguistics: variability within a single discipline. ***English for Specific Purposes***, *26*(1): 25–38.
28. Paltridge, B. (2006). ***Discourse Analysis: An Introduction*** (2nd ed.). London; New York: Bloomsbury Academic
29. Paltridge, B,. & Starfield, S(2007), ***Thesis and Dissertation Writing: A Handbook for Supervisors***. New York: Routledge.
30. Rezaee, Abbas Ali & Sayfouri, Nasrin (2009), Iranian ISI and Non-ISI Medical Research Articles in English: A Comparative ESP/EAP Move Analysis, ***Journal of English Language Teaching and Learning,*** (*52*) 212, pp. 135-160
31. Safnil, A. (2000), ***Rhetorical structure analysis of the Indonesian research articles***. PhD thesis, Australian National University of Canberra, Australia.
32. Samraj, B. (2008), A discourse analysis of master's thesis across disciplines with a focus on introductions. ***Journal of English for Academic Purposes***, 7, 55-67.
33. Swales, J. (1981), ***Aspects of Article Introductions.*** Birmingham: The University of Aston, Language Studies Unit.
34. Swales, J. (1990), Genre Analysis: ***English in Academic and Research Settings.*** Cambridge: Cambridge University Press.
35. Swales, J. (2004), ***Research Genres: Explorations and Applications.*** Cambridge, England: Cambridge University Press.
36. Wallwork, Adrian. (2016), ***English for Writing Research Papers***. Springer.
37. Wannaruk, A. & Amnuai, Wirada. (2015), A Comparison of Rhetorical Move Structure of Applied Linguistics. Research Articles Published in International and National Thai Journals. ***RELC Journal***. *47* (2), 193-211.

Communicative-Rhetorical Moves in Research Article Introductions: A Genre Analysis within Swales' Model (2004) (A Case Study of 8 Journals of Quran and Hadith Sciences Genre)

Hossein Bazoubandi[1]
Assistance professor of Linguistics, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran

Ali Hajikhani
Associate Professor of Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received: 17/08/2022 Accepted: 18/02/2023

Abstract

In discourse analysis discipline, the analysis of research articles genre in recent decades has attracted special attention. In the meantime, studying the introduction of a research article, which serves as a roadmap and preview for understanding the next sections of the article, as well as a very important criterion for evaluating the whole article, has enjoyed the most genre-based analysis in most academic and specialized disciplines. However, the field of Quran and Hadith sciences is one of the genres that there is no study upon the introduction of its research articles within the genre-based discourse analysis. Therefore, the present article, using a descriptive-analytical method based on the Swales' model (2004), which its effectiveness in the field of genre analysis has been proven, deals with the rhetorical structured and communicative moves in the introduction of 80 research articles published during the year from 1395 to 1399 in prestigious research journals in the field of Quran and Hadith sciences. In fact, this study, within genre analysis focusing on the genre moves of the article introductions has got two main functions: first, how the authors of research articles in the field of the Quran and Hadith sciences introduce their work in the introduction and to what extent do they follow the criteria for writing a good introduction based on a theoretical research model? And the second goal is to what extent in this particular genre, we will see variation in journals of a single field. The results of the present study, which can be both useful for improving the quality of the authors' research article introductions and for evaluating this particular genre by research journals reviewers, indicate that some authors of this genre are not sufficiently aware of the genre structure and rhetorical

1- Bazoubandi.h@vru.ac.ir
2- ali.hajikhani@modares.ac.ir

communicative moves is the article introductions, which has led to a complete lack of compliance with the theoretical model of the research.

Keywords: Genre Analysis, *Quran and Hadith* Sciences, Research Article Introduction, Rhetorical Move, Swales' model